

اصطلاحاتی از دنیای هنر - قسمت سوم

31 مرداد 1395

در دنیای نقاشی کلمات ناآشنای زیادی وجود دارد که ممکن است هنگام مطالعه یک کتاب و یا یک مقاله با آن روبرو شوید. این کلمات ممکن است اگر درست درک نشوند افراد را سردرگم کنند. در اینجا ما لیستی از این کلمات و اصطلاحات هنری آورده ایم تا مفهوم آنها را بهتر درک کنیم.



1. Camera Obscura

تکنیک تاریک خانه اولین روش ثبت تصویر بود. در این روش سطح صافی وجود دارد که سوراخی روی آن قرار دارد از طریق این سوراخ نور وارد شده و بر سطح دیگری تابیده می شود. تصویر دریافت شده از این طریق وارونه است که توسط یک آینه معکوس شده و دقت آن قابل تنظیم است اما رنگ ها و سایر جزئیات آن تغییری نمی کند. این اولین روش عکس برداری است که با تکنیک های عکاسی رشد کرد تا به امروز که عکاسی وابسته به دوربین های مدرن است. ارتباط این تکنیک با نقاشی آنجا است که در گذشته برخی نقاشان معروف از جمله: Johannes Vermeer و Leonardo da Vinci و Rembrandt و Caravaggio از این تکنیک برای نقاشی کردن کمک می گرفتند .



2. Camera Lucida

تکنیک اتاق روشن روش دیگری است که به نقاشان کمک می کرد تا یک صحنه یا یک شخص و یا یک شی کوچک را به تصویر بکشند. این ابزار صحنه مورد نظر را روی کاغذ یا بوم نقاشی منعکس می کند و نقاش می تواند تصویر را بوم خود ببیند و کار خود را بسیار ساده تر کند. این روش دو مزیت دارد . اول اینکه نقاش می تواند یک پیش زمینه ای از تصویر مورد نظر خود را روی بوم ببیند و دوم اینکه نقاش مجبور نیست مدام سر خود را بچرخاند و به سوژه نگاه کند. این تکنیک توسط هنرمندان قرن 19 بسیار کاربرد داشته و همچنان هم استفاده می شود. تصویر زیر یکی از نسخه های اخیر و بسیار ماهرانه این تکنیک است به

نام Neolucida که نشان می دهد این ابزار چگونه می تواند به نقاش کمک کند.



3. Ukiyo-E

این لغت به معنی جهان شناور در واقع از سبک زندگی افراطی تاجران طبقه متوسط شهر توکیو قرن 17 ژاپن اقتباس شده است. در آن زمان که این شهر به عنوان پایتخت ژاپن انتخاب شد تاجران به ثروت زیادی رسیدند و شروع به ولخرجی و افراط در زندگی کردند و قادر بودند که چنین نقاشی هایی را برای تزئین خانه های خود خریداری کنند. نقاشان این سبک ژاپن با توجه به سطح طبقاتی خریداران و زندگی مواج و پرهیاهوی آنها این موضوع را انتخاب کردند. موضوعاتی مثل مناظر و زنان زیبا و هوسرانی و برخی جنبه های فرهنگی این طبقه. در این روش ابتدا نقاشی روی تکه ای چوب چاپ می شود. سپس رنگ آمیزی شده و بعد بوم یا پارچه نقاشی را روی آن قرارداده و تحت فشار می گذارند تا تصویر مورد نظر روی پارچه چاپ شود. این سبک نقاشی روی بسیاری از نقاشان غربی هم تاثیر گذار بوده از جمله Édouard Manet و Claude Monet و Vincent Van Gogh. تصویر زیر معروفترین نقاشی به این سبک است با نام Great Wave of Kanagawa اثر نقاش ژاپنی Hokusai.



4. Relief

تکنیک برجسته سازی تقریباً شبیه مجسمه سازی است با این تفاوت که در برجسته سازی موضوع مورد نظر بر روی یک سطح ثابت حک می شود. این تکنیک در سه سطح عالی و متوسط و کم پیاده می شود. در برجسته سازی عالی در واقع مجسمه تقریباً کامل است و می تواند از سطح مورد نظر جدا شود. در این نوع برجسته سازی معمولاً هم موضوع و هم خود مجسمه اهمیت زیادی دارند. اما در نوع دوم برجسته سازی در قسمت های مختلف سطح متفاوت است. مثلاً برخی قسمت های آن برجستگی بیشتری دارد. همانطور که در تصویر مشاهده می کنید اغلب قسمت های مجسمه زیاد از سطح بیرون زده اما برخی قسمت های آن مثل سر مجسمه برجستگی بیشتری دارد. نوع سوم برجسته سازی هم تقریباً در تمام سطح یکسان و کم است. رومیان باستان از این سبک برای تزئین دیوارهای اهرام و مکان های مقدس خود استفاده می کردند.



5. Raphael cartoons

تصاویر 7 قسمتی رافائل از سری اورجینال 10 قسمتی آن هستند که از طرف Pope Leo X به رافائل ماموریت داده شد تا بر روی پرده های بزرگ کلیسای Sistine نقاشی شوند. اوج این هنر را می توان در دوره رنسانس و در آثار میکل آنژ دید. موضوع این نقاشی ها اغلب زندگی Peter و Paul مقدس است.



6. Lithograph

لیتوگرافی یک تکنیک قدیمی است که در ردیف تکنیک های چاپ محسوب می شود و اولین نمونه های آن مربوط به سال 1796 می باشد. در این تکنیک تصویر مورد نظر بر روی سنگ یا چوب و یا فلز حک شده و سپس با روش های علمی روی بوم چاپ می شود. به این صورت که ابتدا تصویر روی سنگ حک می شود سپس بخشهایی از آن را به ماده ضد آب و بخش هایی را هم به ماده حلال در آب آغشته می کنند طوری که تصویر روی آن واضح می شود سپس آن قسمت هایی که ضد آب نیست را جوهر مخصوص می زنند تا رنگ بگیرد و بعد پارچه یا بوم نقاشی را روی آن فشار می دهند و تصویر چاپ می شود.



7. Imprimatura

در این تکنیک ابتدا یک لایه رنگ روی بوم خالی زده می شود. با این کار به نظر می رسد که یک حالت سایه و یا حس خاصی به

تصویر داده می شود. البته گاهی هم این کار برای این انجام می شود که قابلیت جذب رنگ بوم کاهش یابد و رنگ های اصلی جذابیت و شکل خود را تا پایان کار حفظ کنند. رنگ هایی که به عنوان لایه اولیه بکار می روند اغلب روشن و کم رنگ و مایل به سبز و قهوه ای و زرد بسته به نظر نقاش هستند. گاهی اوقات هم به جای این کار رنگ را در پایان روی نقاشی می زنند. بسیاری از نقاشان دوره رنسانس از این روش استفاده می کردند از جمله Anthony van Dyck و Peter Paul Rubens



8. Memento Mori

معنی تحت الفظی این واژه ایتالیایی این است که " به یاد داشته باشید خواهید مرد". و ارتباط عمیق این موضوع با هنر موضوع آثار بسیاری از هنرمندان بویژه نقاشان بوده است. نقاشی های شامل استخوان و جمجمه همه سمبل های مرگ هستند. و هنرمند می خواهد از این طریق یادآوری کند که همه ما روزی خواهیم مرد. نقاشی های زیادی با این مضمون وجود دارند از جمله نقاشی سفیران اثر Hans Holbein. در این اثر از تکنیک دیگر هنر به نام دگرگون سازی استفاده شده برای رساندن پیام مرگ. یک جمجمه بین دو مرد در پایین تصویر وجود دارد که فقط از زاویه خاصی قابل دیدن است. موضوع این نقاشی سالها مورد بحث بوده اما به هر حال هدف از ملاقات این دو فرد هر چه که باشد نقاش با قراردادن یک جمجمه اهمیت انرا بی اثر کرده و این موضوع را یاد آور می شود که همه خواهند مرد و هیچ چیز دیگری اهمیت ندارد.



9. Vanitas

این واژه به معنی پوچی و بیهودگی است. آثار هنری با این سبک اغلب حاوی سمبل های نمادین و با مذموم پوچی و مرگ هستند. این آثار اغلب طبیعت بی جانی را نشان می دهند با اشیایی که به انتخاب نقاش می توانند وارد تصویر شوند. عناصری که نماد پوچی و بیهودگی در زندگی هستند. مثل جمجمه، ساعت، پروانه، میوه ها، گل ها، حشرات، حباب و دود و اسکلت. بسیاری از هنرمندان جمجمه را برترین نماد پوچی می دانند. پیامی که در این نقاشی ها وجود دارد در باره ماهیت مرگ و زندگی است. آنها همه خوشی های زندگی را سرزنش می کنند چرا که هیچکدام هنگام مرگ به انسان کمک نمی کنند. در کل پیام بیهودگی که در این آثار وجود دارد اشاره دارد به این که مرگ اجتناب ناپذیر است.



10. Contrapposto

کلمه ای ایتالیایی به معنای تقابل. سبکی است که در آن تندیس کامل از انسان را نشان می دهد. تندیس انسان ایستا ده ای که بر روی یکی از پاها خود تکیه دارد و گویی بدن در یک منحنی زیبا قرار گرفته است. شبیه تصویر زیر. این تصویر تندیس داوود ساخته میکل آنژ می باشد. حالت و ژستی که وی به این تندیس داده همان Contrapposto است. او طوری ایستاده که تمام وزن خود را روی پای راست خود داده و پای چپش بدون هیچ فشاری فقط روی زمین است. این حالت بسیار شبیه حالت منحنی S است که در آن کل بدن حالتی شبیه به حرف S به خود می گیرد. اما تفاوت های قابل توجهی با هم دارند. این تکنیک بسیار قدیمی بوده و به قبل از میلاد بر می گردد و یکی از مهمترین دروس هنر نقاشی است.

